



امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۱۴۰۱-۱۴۰۰

ساعت برگزاری: ۱۰:۳۰ صبح | نمره: ۱۵ | مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

مهر مدرسه

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

کد امتحان:	۲۴۰۱۲/۰۵
تاریخ آزمون:	۱۴۰۱/۰۳/۲۳
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول
محدوده:	حلقه ثانیه: از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۱۸۳-۲۴۳)
حذفیات:	ندارد

کد طلکبئی:

کلمه از نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخنامه، خودداری نمایید.

۱- پاسخ مصنف به قائلین به اختصاص حدیث رفع به شبهه موضوعیه با استدلال به وحدت سیاق در اسم موصول، چیست؟ ص ۱۸۹-۱۹۰

- الف. به فرض قبول تفسیر اسم موصول به تکلیف و پذیرش معنای مجازی، تکلیف به معنای حکم فعلی از شبهه موضوعیه خارج می‌شود
- ب. معنای موصول در تمام موارد، شیء است گرچه مصادیق آن مختلف است که منافی وحدت سیاق در مدلول استعمالی نیست
- ج. اسم موصول به معنای تکلیف فعلی بوده و معنای حقیقی است که با شبهه موضوعیه بودن تغایر مفهومی و مصداقی دارد
- د. معنا و مصداق موصول در تمامی موارد، شیء است که تنافی آن دو در مرحله مدلول استعمالی است نه جدی

۲- استدلال قائلین به وجوب احتیاط با تمسک به روایت: «أمر تبین لك رشده فاتبعه و أمر تبین لك غیه فاجتنبه وأمر اختلف فيه فردّه الی الله عزوجل» چیست؟ ص ۱۹۶

- الف. اتباع و اجتناب در امور درست و نادرست کنایه از حالت بین آن دو وفحص همراه با احتیاط است
- ب. احتیاط در شبهات با مقایسه امور صحیح و باطل و استخراج معیار آنها به دست می‌آید
- ج. در امور مشکوک امر به رد آنها به خداوند و عدم ارتکاب شده که همان احتیاط است
- د. امور واضح البطلان بر اساس حدس و گمان بوده و باید از آنها اجتناب کرد

۳- دلیل قول: «لو علم اجمالاً بوجوب الظهر او الجمعة وفرض ان الواجب فی الواقع هو الظهر فالذی یتنجز الوجوب بمقدار الجامع» چیست؟ ص ۲۰۱-۲۰۲

- الف. معلومیت جامع متوقف بر سرایت آن به هر دو طرف است و در حالت تساوی مکلف مختار به انجام یکی است
- ب. تنجز علم به خاطر این است که آینه خارج است و مصداق خارجی با طبیعت واجب محقق می‌شود
- ج. علم، جامع را منجز می‌کند و به خصوص یکی از طرفین سرایت نمی‌کند چرا که نامعلوم است
- د. انجام بالخصوص هر کدام از ظهر و جمعه تکلیف بما لایطاق است

۴- اشکال مرحوم خوئی به تعریف استصحاب به «الحکم ببقاء ما کان» چیست؟ ص ۲۱۱

- الف. کشف حکم ظاهری بنا بر اماره بودن استصحاب، با مسامحه لمی است
- ب. کشف حکم ظاهری بنا بر اصل بودن استصحاب، انی مطلق است
- ج. تعریف طبق مبنای اماره بودن استصحاب، تام نیست
- د. تعریف طبق مبنای اصل بودن استصحاب، تام نیست

۵- در عبارت: «والأ فانه علی یقین من وضوئه و لاتنقض الیقین ابداء بالشک» اگر جزا مقدر باشد نقش «فانه علی یقین من وضوئه» در مفهوم متن چیست؟ ص ۲۱۵

- الف. قید توضیحی برای شرط
- ب. تأکید برای نقض تکوینی
- ج. تعلیل برای جزای مقدر
- د. قید احترازی

۶- اگر علم به عدم وجوب نماز ظهر و جمعه با هم داشته باشیم نسبت بین «صل الجمعة» و «صل الظهر» چیست؟ ص ۲۳۶

- الف. تعارض عرضی
- ب. تعارض ذاتی
- ج. تراحم
- د. ورود

۷- حق طاعت ذاتی و جعلی و تعیین دایره آن دو چگونه موجب پیدایش دو مسلک در قاعده اولیه هنگام شک در تکلیف می‌شود؟ توضیح

دهید. ص ۱۸۵-۱۸۴

۲

جواب: حق طاعت جعلی که از طرف عقلا جعل می‌شود بنابراین دایره آن از جهت سعه و ضیق تابع جعل و قرارداد عقلاست که معمولاً آن را در چارچوب تکالیف مقطوع و معلوم تعیین می‌کنند این حق طاعت که تکالیف مشکوک را خارج می‌کند و فقط تکالیف معلوم را در حق طاعت وارد می‌کند مبنای مسلک قبح عقاب بلا بیان است. اما حق طاعت ذاتی ارتباطی با جعلی ندارد و تعیین دایره سعه و ضیق آن به صورت مستقل انجام می‌شود و راه تعیین آن مراجعه به وجدان است که حکم به تعمیم می‌کند یعنی تکالیف معلوم و مشکوک را در بر می‌گیرد مگر اینکه در تکالیف مشکوک خود مولا اذن به مخالفت داده باشد این مبنا موجب پیدایش مسلک حق الطاعه می‌شود.

۸- تعارض ادله وجوب احتیاط با ادله برائت در دو فرض «رافع موضوع بودن» و «غیر رافع موضوع بودن» برای برائت را توضیح دهید.

۲

ص ۱۹۴

جواب: اگر دلالت دلیل برائت بر این باشد که زمانی برائت محقق می‌شود که بیانی بر تکلیف واقعی و وجوب احتیاط وجود نداشته باشد در این فرض، ادله احتیاط رافع موضوع برائت هستند زیرا برائت مقید به عدم بیان بر وجوب احتیاط است که بنابر فرض ادله احتیاط بیان محسوب می‌شوند اما اگر برائت در صورتی محقق شود که فقط بیانی بر تکلیف واقعی وجود نداشته باشد ادله احتیاط با برائت تعارض می‌کنند بدون اینکه رافع موضوع آن باشند زیرا ادله احتیاط بیان برای حکم واقعی نیستند.

۹- با توجه به عبارت: «ذهب المشهور فی تنجز العلم الاجمالي بلحاظ الاصول المؤمنة من زاوية الامکان الی استحالة جریان البراءة للزوم الترخيص فی المخالفة القطعية» مدعا و اشکال آن را بنویسید. ص ۲۰۲

۲

جواب: مشهور معتقدند از جهت امکان، جریان برائت در اطراف علم اجمالی محال است زیرا جریان برائت مستلزم ترخیص در مخالفت قطعی است و چون مخالفت قطعی عقلا قبیح است بنابراین ترخیص شارع محال است. اشکال: این ادعا در صورتی صحیح و تام است که حکم عقل به قبح مخالفت قطعیه منجز و مطلق باشد اما اگر معلق بر عدم ترخیص ظاهری شرعی در مخالفت باشد در فرض تحقق ترخیص مذکور، موضوع حکم عقل به قبح مرتفع می‌شود و تعارضی حاصل نمی‌شود پس بازگشت این استحاله به این ادعا است که حکم عقل معلق نیست بلکه منجز است و این ادعا روشن نیست.

۱۰- برخی برای استصحاب مفید ظن به سیره عقلا بر عمل به آن استدلال می‌کنند نحوه استدلال و اشکال آن را بنویسید. ص ۲۱۴

۲

جواب: استدلال: انعقاد سیره عقلا بر عمل به استصحاب، دلالت بر این می‌کند که استصحاب مفید ظن است زیرا عقلا فقط به طرق ظنی که کاشفیت داشته باشند عمل می‌کنند. اشکال: احتمال دارد سیره عقلا به جهت عادت و الفت و انس به حالت سابقه باشد نه به خاطر نکته کشف و لذا این سیره در حیواناتی که تحت تأثیر عادت و الفت هستند نیز وجود دارد.

۱۱- جریان استصحاب یا عدم جریان آن در عبارت: «اذا كان الاثر الشرعی ثابتاً لموضوع مرکب من جز این أو أكثر یکون احدهما ثابتاً بالوجدان والآخر مشکوک رأساً» را در ضمن مثال توضیح دهید. ص ۲۲۸

۲

جواب: اگر اثر شرعی برای موضوعی ثابت باشد که مرکب از دو جزء است و یکی از اجزاء وجدانا ثابت است و جزء دیگری از اساس مشکوک است مثل ارث بردن نوه از پدر بزرگش متوقف بر دو جزء است یکی مرگ جد است و دیگری اسلام نیاوردن پدر تا زمان مرگ جد و در غیر این صورت پدر بر نوه مقدم می‌شود اگر فرض کنیم جد در روز جمعه مرده است و نمی‌دانیم پدر در حیات جد اسلام آورده بود یا خیر اینجا استصحاب عدم اسلام پدر تا هنگام مرگ جد که وجدانا ثابت است را استصحاب می‌کنیم به شرط اینکه اثر شرعی مترتب بر ذات آن دو جزء باشد اما اگر مترتب بر وصف اقتران آن دو باشد از آن جهت که اقتران میان آن دو لازم عقلی برای عدم اسلام پدر است استصحاب اصل مثبت خواهد بود.

۱۲- معقولیت یا عدم معقولیت احتمالات زیر بین دو دلیل متعارض را توضیح دهید. ص ۲۳۸-۲۳۹

۲

الف) جعل حجیت برای هر یک از متعارضین مشروط به عدم التزام به دیگری:

جواب: نامعقول است زیرا در صورتی که مکلف به هیچ‌یک از دو دلیل ملتزم نشود هر دو حجت خواهند بود و محذور ثبوت حجیت برای دو دلیل متکاذب پیش می‌آید.

ب) جعل حجیت برای یکی از متعارضین به صورت تخییری:

جواب: معقول است و اثر مترتب بر آن، عدم امکان رجوع به اصل عملی یا دلیل عامی که حکم ثالثی غیر از آنچه که دو دلیل متعارض بر آن دلالت می‌کنند، می‌باشد.